

# رشد و گسترش نهاد های مردم محور NGOs و تأثیر آن بر ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران

محمد اخباری<sup>۱</sup>

علیرضا ترقی<sup>۲</sup>

## چکیده

اکثر سیاست‌ورزان کنونی در جغرافیای درون یا برون حاکمیتی خود، از تعاملات و کنش‌های مثبت میان آحاد مردم که از بار مطالبات و خواسته‌های فزاینده آنان از حکومت می‌کاهد استقبال کرده و تلاش می‌کنند زمینه ساخت‌یابی و تقویت این نوع رفتار در عرصه محیطی تحت کنترل آنها بیشتر فراهم آید. در جامعه اسلامی ما نیز نهادهایی موسوم به «سازمان‌های غیردولتی»، به خصوص طی سالیان اخیر، رشد و گسترش جغرافیایی زیادی یافته‌اند که هرچند از تعداد و پراکندگی این سازمان‌های ملی بین‌المللی به دلیل به ثبت نرسیدن تمامی آنها، اطلاع دقیقی در دست نیست لکن آمار و ارقام رسمی و غیررسمی، از فعالیت چند هزار تا چند ده هزار ان‌جی‌ا.ا. در داخل کشور گزارش می‌دهند. در وهله نخست، آموزه‌های موجود در فرهنگ ناب اسلامی، تعاون و همیاری مسلمانان برای تبیل به مقاصد به واقع انسانی و فطری را امری ممدوح و سفارش شده می‌نامید و به این سبب حضور فعال نهادهای غیردولتی و مردمی در پیکره اجتماع را می‌توان به فال نیک گرفت، لکن اهتمام برخی برنامه‌های هدایت شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی برای بهره‌برداری از سازمان‌های غیردولتی، به منظور منطبق سازی -تحمیلی- سیاست‌های برون مرزی (از جمله اشاعه دموکراسی لیبرال) بر سیاست‌های جاری کشور، امری است که ناچار باید مورد توجه و کنکاش بیش‌تری واقع گردد. این فرآیند با هدف‌گیری روی مثلث «عوامل انسانی»، «ایدئولوژی مسلط» و «محیط جغرافیایی و فضایی»، درصدد است آنچه را که «ژئوپولیتیک رفتاری» نامیده می‌شود تحت تأثیر و یا تغییر خود قرار دهد. این مقاله درصدد است تا با نگاهی به این مهم، به تأثیر گسترش ان‌جی‌ا.ا.ها بر ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

**واژه های کلیدی:** ژئوپولیتیک، سازمان‌های غیردولتی، اهداف توسعه هزاره، حکمرانی مطلوب، سرمایه اجتماعی.

<sup>۱</sup>دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای امنیت، ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه

از رویکردهای قابل تأمل در حوزه مطالعات امنیت ملی، نگاه ژئوپولیتیک و به ویژه وجه نوین آن، به فرآیندها و کنش‌های عرصه سیاسی و بین‌المللی می‌باشد؛ برخی صاحب‌نظران در این حوزه، منطق گفتمانی و عملی کشورهای توسعه یافته در قبال محیط داخلی و پیرامونی خود را «ژئوپولیتیک» دانسته و شناسایی این حوزه را در تحلیل رفتار و توضیح نحوه صف‌آرایی بازیگران، بسیار مهم ارزیابی می‌کنند. با نگاهی به صحنه تحولات جهانی، این مطلب قابل دریافت می‌باشد که با بسط مفاهیم ژئوپولیتیک، بخش مهمی از مسائل و رخدادها، قابلیت شرح و تفسیر بهتری می‌یابند. در این میان، هر چند «ژئوپولیتیک رفتاری» به میزان ترکیب «جغرافیای رفتاری» قدمت ندارد لکن از آنجا که سیاست جغرافیایی در عصر کنونی در انتقاد به رویکرد کلاسیک، تطابق پذیری با شرایط جدید و مطرح شدن به عنوان تفسیرگر شیوه عمل و رفتار بازیگران توفیقات زیادی داشته، ورود آن به قاموس ادبیات و مفاهیم سیاسی و امنیتی، امری پذیرفتنی - هر چند بحث انگیز و چالشی - است.

تردید نیست که پسوند «رفتاری» و اساساً بستر تکوین هر رفتار در جامعه بشری، گویای وجود عامل و بازیگر انسانی در محیط جغرافیایی مورد نظر می‌باشد حتی اطلاق بازیگر به دولت‌ها و واحدهای مختلف سیاسی و نهادهای غیردولتی در عرصه ملی و بین‌المللی نیز معطوف و متوجه به عامل مهم انسانی می‌باشد.

دربحث از عواملی که انگیزه تحقیقات بین‌المللی در جغرافیای سیاسی را فراهم می‌آورد، می‌توان از پایان گرفتن جنگ سرد، استفاده از رهیافت‌های رادیکال نظری در تحلیل فضایی و نقش مهم و رو به رشد بازیگران سیاسی غیر از دولت‌های مستقل، در صحنه جهانی نام برد. رشد سازمان‌های میان حکومتی یا IGOs (مثل سازمان ملل و شورای اروپا)، سازمان‌های غیرحکومتی (مثل شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های محیط زیست محیط بین‌المللی) و سازمان‌های یک پارچه شده فوق دولتی (مثل اتحاد اروپا) موجب بر هم خوردن موازنه‌ی بین‌المللی قدرت شده است، فراتر از آن، این سازمان‌ها با مداخله خود در زمینه‌هایی از حمایت محیط زیست گرفته تا حقوق بشر، حاکمیت دولت را که زمانی حرمت غیرقابل بحث داشت به چالش کشیده‌اند. این پیشرفت‌ها یک دیدگاه جدید جغرافیایی - سیاسی را در روابط

بین‌الملل طلب می‌کند تا بتواند ما را در فهم و درک بهتر و سعی در حل یا حداقل اداره بسیاری از معماهای پیچیده کمک نماید. [مینایی، ۱۳۸۳: ۲۳۹]

بنابراین مقاله حاضر، تلاشی برای بررسی نقش و بازیگری سازمان‌های غیردولتی (ان.جی.ا.ها)<sup>۱</sup> در تکوین، ترویج یا تحمیل رفتار خاص در سیاست جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

### بیان مسأله، پیشینه و ضرورت پرداختن به آن

شناسایی بازیگران مؤثر در رفتارهای امنیت‌زا و مولد ناامنی و امکان کنترل و بازشناسی بازیگران، براساس تحول در ایفای نقش و میزان و سطح نفوذ در محیط امنیتی، از محورهای عمده در شناسایی یک جغرافیای امنیتی می‌باشد. بر این اساس، سازمان‌های غیردولتی که به خصوص طی دهه‌های اخیر، در سیاست‌های جغرافیایی قدرت‌های سلطه‌گر و استعماری و هم‌چنین کشورهای در حال توسعه، نقش و جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند و به بازیگری مؤثر در نقشه‌های ژئوپولیتیک تبدیل شده‌اند در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سؤال محوری که این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به آن می‌باشد این خواهد بود که: اساساً سازمان‌های غیردولتی که گستره و پهنای وسیعی را به فعالیت‌های خود اختصاص داده‌اند ایفاگر چه نقش‌های امنیتی یا ضدامنیتی، در ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران هستند؟

بدیهی است با توجه به ابعاد مختلف موضوع، پرداختن به تمامی نقش‌های مطمح نظر میسر نبوده و لذا تنها به تبیین چند نقش عمده که از نظر نگارندگان، اولویت بیش‌تری داشته‌اند اکتفا گردیده است.

با نگاهی به پیشینه ظهور سازمان‌های غیردولتی در می‌یابیم که از نیمه دوم قرن بیستم یک سلسله گردهمایی‌های غیردولتی، نقش آفرینی در مسائل ملی و بین‌المللی را آغاز کردند و این گردهمایی‌ها رفته رفته منجر به تأسیس سازمان‌های مستقلی از دولت‌های جهان شد. سازمان‌هایی که با استفاده از این استقلال شخصیتی می‌کوشند و می‌توانند بر تحولات در محیط زیست طبیعی، اقتصادی و سیاسی انسان اثر بگذارند، گروه‌های مدافع حقوق بشر مانند عفو بین‌المللی و گروه-

<sup>۱</sup> - NGOs= NonGovernmental Organizations

های مدافع محیط زیست که در بیشتر کشورهای جهان به گونه احزاب سبز درآمدند، اند، گروه‌های مدافع حقوق زنان و... که در سطح بین‌المللی عمل می‌کنند، بهترین نمونه از این گونه سازمان‌های غیردولتی هستند. [مجتهدزاده: ۱۳۸۱: ۱۹۳-۱۹۲] برخی صاحب نظران نیز معتقدند «تعدد سازمان‌های غیردولتی فراملیتی، تا اندازه‌ای به عنوان ثمره ژئوپولیتیک جهانی، و تا حدی در واکنش به جهانی سازی اقتصادی بوده است؛ بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۸۰ مجموع تعداد سازمان‌های غیردولتی فراملیتی به دو برابر افزایش یافت، یعنی از حدود ۲۰۰۰ به بیش از ۴۰۰۰ سازمان بالغ گردید. به علاوه، این تعدد با تثبیت و محلی‌سازی سازمان‌های غیردولتی فراملیتی در مراکز سیاست‌گذاری و میانجی‌گری بین‌المللی همراه بوده است. مراکز مذکور شامل لندن، پاریس، نیویورک، بروکسل، استراسبورگ، ژنو، وین و هلسینکی هستند». [جانستون و همکاران؛ ۱۳۸۳؛ ۳۵۷]

حمایت و سرمایه‌گذاری مادی و تبلیغاتی دولت‌های غربی و به ویژه ایالات متحده (اصطلاحاً گلوبوکوپ<sup>۱</sup>) برگسترش بنیادها و سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی که عموماً مأموریت‌های ویژه‌ای با دامنه‌ی عملیاتی و بُرد بین‌المللی دارند؛ ضرورت و لزوم تقویت و تجهیز حس‌گرهای امنیتی و انجام مطالعات ژرف‌تر در خصوص شناسایی اهداف و تحلیل نقش‌پذیری‌های محلی سازمان‌های غیردولتی را گوشزد می‌نماید. این در حالی است که اختلاط و امتزاج سازمان‌های غیردولتی به واقع مردم نهاد و مبتنی بر آرمان‌های فطری و ذاتی انسانی با سازمان‌های غیردولتی هدایت شده از سوی دولت‌های مستکبر و قدرت‌های سلطه‌گر، شرایط عمومی فعالیت سازمان‌های غیردولتی واقعی را به ویژه در کشورهای در حال توسعه و نیازمند مساعدت‌های جهانی؛ با مشکل و عملکرد آنها را با سوءظن و تردید مواجه ساخته است.

بدون تردید، مردم دنیا طی دهه‌های اخیر، شاهد تغییرات اصولی در هنجارهای اخلاقی سیاست‌مداران و سرمایه‌داران حاکم بر جهان غرب- که همواره منافع و رسیدن به بالاترین نرخ سودآوری در بلوک خود را ملاک تصمیمات و سیاست-گذاری‌ها قرار می‌دهند- نبوده‌اند از این رو، ساده‌انگاری و عدم توجه به پیچیدگی‌ها

<sup>۱</sup> - Globo Cop

در بازخوانی نیات بازیگران غیردولتی و پذیرش اینکه آنان بدون هرگونه توقع و چشم‌داشتی به امور عام‌المنفعه و انسان دوستانه اهتمام دارند به ویژه در حوزه مطالعات امنیتی، امری نامعقول می‌باشد.

### ژئوپولیتیک و رویکرد رفتاری آن

بارزترین مفهوم در بحث حاضر، چپستی «ژئوپولیتیک» یا سیاست جغرافیایی می‌باشد که در این راستا، ارائهٔ تعریف و توضیحی پیرامون این اصطلاح ضروری است. برخی صاحب نظران بر این ادعا هستند که «ژئوپولیتیک، ملت‌ها یا دولت‌ها را اندامهایی (آرگانسیم‌هایی) می‌انگارد که هم چون هر موجود زنده‌ای در کشاکش دائم یا دیگر موجودات زنده (در این مورد ملت‌ها و دولت‌های دیگر) برای بقای خویش است، و عامل اصلی این بقا، تسلط بر فضاهایی است که زمین به آنها تقسیم شده است. به نظر ژئوپولیتیک‌شناسان، توسعهٔ این فضاها از قانون‌هایی پیروی می‌کند که می‌توان آنها را از مطالعهٔ جغرافیا و تاریخ به دست آورد و با موفقیت در سیاست خارجی به کار بست. نظریه‌های ژئوپولیتیک شناس آلمانی «هاوس هوفر» که از «سرنوشت مکانی» ملت‌ها سخن می‌گفت، بسیار خوشایند نازی‌ها و ناسیونالیست‌های آلمانی واقع شد و توجیهی برای آرزوی آلمان برای فرمانروایی سیاسی بر اروپا شد. [آشوری، ۱۳۷۰: ۱۸۲]؛ در سال ۱۸۹۷م، (۱۲۷۶ش.) «فریدریش راتزل»<sup>۱</sup> آلمانی کتابی در جغرافیای سیاسی منتشر کرد «راتزل» اعتقاد داشت که دولت موجود زنده ای است که با تغذیه (گسترش سرزمینش) قادر به زندگی است بر همین اساس، «کارل هاوس هوفر» (بنیان گذار مکتب ژئوپولیتیک آلمانی) واژه «فضای حیاتی» را به کار برد که نقش مهمی در توسعه طلبی «هیتلر» ایفا نمود.

دیدگاه‌های جدید دربارهٔ مفهوم ژئوپولیتیک، برای تعریف‌های کلاسیک اعتبار چندانی قائل نمی‌شوند به تدریج برخی متفکران با ساخت شکنی از گفتمان هژمونیک، مبانی نظری و حوزهٔ معنایی این مفهوم را به پرسش و نقد کشیدند. به ویژه، با فروپاشی ابرقدرت شرق، تحولی در مفهوم ژئوپولیتیک ایجاد شد و مباحث و مؤلفه‌هایی نظیر: برخورد تمدن‌های هانتینگتون، پایان تاریخ فوکویاما و ژئواکونومیک «لوت واک» به مثابهٔ گزاره‌هایی در گفتمان ژئوپولیتیک مطرح شدند. مجموع

<sup>۱</sup> - Friedrich Ratzel (1844-1900)

شرایط مذکور، بستر مناسبی را برای ظهور دیدگاهی «منتقدانه» نسبت به ژئوپولیتیک فراهم ساخت. در چارچوب رهیافت مذکور، افرادی نظیر «ویتفوگل» (ژئوپولیتیک به مثابه ایدئولوژی بورژوازی)، باومن (ژئوپولیتیک به مثابه یک شبه علم)، لاکوست (ژئوپولیتیک در قالب یک شکل از منطق جغرافیایی)، اشلی (ژئوپولیتیک به مثابه فضامندسازی سیاست‌های جهانی)، دلبی (ژئوپولیتیک به مثابه حیطه فضایی) به نظریه پردازی پرداخته‌اند [محمود عسگری: ۱۳۷۹: ۸۶]

همان طور که در مقدمه این بحث نیز گذشت در نقشه‌های ژئوپولیتیسین‌های امروزی و رویکردهای جدید ژئوپولیتیک، سیاست‌های جغرافیایی در انتقاد به گونه کلاسیک آنکه صرفاً به عوارض طبیعی و جغرافیایی و جمعیتی اصالت می‌بخشید، شیوه عمل و رفتار افراد و حوزه معرفت و آگاهی (ایدئولوژی) مسلط بر محیط جغرافیایی را مورد توجه قرار می‌دهند که از این رویکرد «ژئوپولیتیک رفتاری» گفته می‌شود. امروزه ژئوپولیتیک رفتاری، یک دانش است، بر مبنای این رویکرد، مشخص می‌گردد که مکان‌های مختلف براساس ژئوپولیتیک خاص خودش چگونه رفتاری دارند؟

در رویکرد رفتاری، حداقل به سه عامل عمده انسان، محیط و ایدئولوژی تأکید شده است:



بر این اساس، «عامل انسانی» یکی از مؤلفه‌های مهم در ژئوپولیتیک محسوب می‌گردد؛ در واقع به مرور زمان، «نقش محیط» به «نقش انسان» تحول یافته و «انسان کارکردی» که قادر است بیشترین تأثیر و تأثر را بر محیط ایجاد نماید پا به عرصه تعاملات و تضارب ژئوپولیتیک نهاده است.

Role of environment  $\longleftrightarrow$  Role of human

اکثر ژئوپولیتیسین‌ها معتقدند که در حدها فصل سال‌های ۲۰۵۰-۲۰۰۰ م. [۱۴۲۹-۱۳۷۹ش.) در محور اساسی تفکر ژئوپولیتیک، «انسان» قرار گرفته است این در حالی است که در گذشته (دیدگاه راتزل) برای سالیان طولانی، محور مرکزی بحث ژئوپولیتیک، «محیط» بوده است. لذا قابل پیش‌بینی است که در تحولات کنونی، کار فرهنگی و اصطلاحاً «اقدامات نرم» معطوف به تغییر رفتارهای انسانی، محور و معیار تحرکات واقع گردد.

در همین راستا، «ایدئولوژی» که بنا به تعریف، عبارت از «معرفت گروه انسانی به پاسداشت هویت و ارزش‌های مورد قبول می‌باشد» نیز حائز اهمیت است؛ ایدئولوژی به عنوان یکی از عوامل دخیل در معادلات ژئوپولیتیک، با شکل‌گیری انقلابات در سراسر جهان، نمود عینی‌تری پیدا کرد در واقع انسان کنونی، با آگاهی به ایدئولوژی و تسلط بر محیط، خود را تعریف می‌کند.

### ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران

یکی از ملزومات ورود به تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی، شناخت‌یابی نسبت به ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. یکی از نارسایی‌های موجود در برخی کتب انتشار یافته در خصوص ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای انطباق‌پذیر نمودن الگوهای موجود نظام‌های حکومتی بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد غافل از آنکه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در نظام پویای حکومتی جمهوری اسلامی، آن را به الگویی برجسته و البته بدیع و با مختصات ویژه در میان نظام‌ها تبدیل نموده است. لذا اطلاق الگوی بسیط، تک ساخت و متمرکز به الگوی حکومتی ایران پس از انقلاب که از آن تصلب و خودکامگی حکومت‌های سلاطین و شاهان معدوم گذشته تداعی می‌گردد امری غیرمنصفانه و غیرمنطبق با واقعیات می‌باشد. بدیهی است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حقوق اساسی مردم از جمله: اصل مساوات و برابری، حقوق زن، حقوق سیاسی افراد، حقوق اجتماعی مردم شامل حق داشتن شغل مناسب، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، حق داشتن مسکن مناسب، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حق مالکیت، حقوق قضایی و هم چنین آزادی‌های اساسی شامل آزادی‌های فردی، فکر و عقیده، سیاسی، انتخاب شغل و کسب، انتخاب محل اقامت، آزادی‌های مربوط به فرق

اسلامی، اقلیت‌های مذهبی و اقوام و ... مورد تأکید قرار گرفته است. آنک: شعبانی،  
[۸: ۱۳۸۵]

از سوی دیگر، ساختار نظام سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مشروعیت خود را بر پایه موازین اسلامی تحصیل نموده و مطابق با اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی، فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر، ولایت امر و امامت امت را برعهده دارد و همچون اوست که مهندسی کلیت نظام و ژئوپولیتیک رفتاری را نیز عهده‌دار می‌باشد:

«...ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است این اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است... نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه پیچیده و در هم تنیده تلاش های گوناگون، نباید حرکت نظام، انحراف از هدف ها و ارزش ها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف های آرمانی و عالی اش، مهم ترین و اساسی ترین نقش ولایت فقیه است...»<sup>۱</sup>

لذا در ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی، سه رکن «انسان (ایرانی) موحد انقلابی»، «ایدئولوژی اسلام ناب محمدی(ص) مبتنی بر گفتمان انقلابی شیعی» و «محیط ایران متمدّن و اسلامی» قابل تشخیص می‌باشد و از آنجا که بقای این ارکان هویتی، برای جمهوری اسلامی ایران از ارزش محوری و کلیدی برخوردار است، صیانت از آن، مطالعات و تمهیدات امنیتی جدی‌تری را می‌طلبد.

در سیاست‌های کنونی دولت‌های غربی و قدرت‌های استعماری نو<sup>۲</sup> و امپریالیستی، که درصدد سيطرة همه جانبه بر جهان و ایجاد نظام تک قطبی و رفتارهای همگون با معیارهای تحمیلی خودخوانده هستند، تسخیر شدن و یافتن راه‌های نفوذ در جمهوری اسلامی از راهبرد های مهم آنان می‌باشد که تاکنون - به مدد الهی - به تعبیر و واقعیت نپیوسته است. در این راستا، طرح خاورمیانه‌ی بزرگ‌تر به عنوان برنامه‌ای که برای کارزار فرهنگی و تغییر ژئوپولیتیک رفتاری منطقه طراحی گردیده

<sup>۱</sup> - از بیانات مقام معظم رهبری در مورخ ۸۳/۳/۱۴ (پانزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره))

<sup>۲</sup> - Neo-Colonialism



قابلیت بحث و بررسی می‌یابد که براساس ادعای این طرح، منطقه خاورمیانه از خلأ و فقدان سه عنصر زیر رنج می‌برد:

۱- فقدان آزادی ۲- فقدان دانش ۳- فقدان توانمندی زنان

در قالب این طرح، سه رویکرد مشخص مورد تأکید قرار می‌گیرد:

الف) اشاعهٔ دموکراسی و حاکمیت مناسب و خوب

ب) ساخت یک جامعهٔ دانش-اطلاعات محور

ج) توسعهٔ فرصت‌های اقتصادی [حسینی: ۱۳۸۳، ۱۸۶]

در همین جا می‌توان حلقهٔ وصل و نقطهٔ پیوند فضا سازی برون زا و درون زای سازمان‌های غیردولتی داخلی و بین‌المللی را با ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمود، در تفسیری از وضعیت ظهور و حضور فزایندهٔ سازمان‌های غیردولتی با دامنه‌ی عملیاتی و جغرافیایی: محلی، شهری، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در کشورهای منطقهٔ راهبردی خاورمیانه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران، می‌توان چند رهیافت زیر را حول محور علل شناسی این حضور برداشت نمود:

الف- سازمان‌های غیردولتی به مثابه ابزاری برای نفوذ و رخنه به منظور دستیابی به فضای حیاتی و موقعیت مکانی کشورهای هدف

ب- آمایش ژئوپولیتیک دلخواه در محیط هدف از ناحیهٔ قدرت هژمون: تغییر پیکربندی نهادی<sup>۱</sup> در یک واحد جغرافیایی سیاسی ایجاد دگرگونی در مفصل بندی و موازنه بندی اجتماعی به شیوهٔ دلخواه و تغییر در ظرفیت فضای عمومی (ابزار مهندسی اجتماعی)

ج- تلاش برای تنظیم و تغییر در ژئوپولیتیک رفتاری به ویژه در مؤلفهٔ انسانی (دستور نویسی غرب برای کشورهای دنیا): به غلیان در آوردن مطالبات گروه-های صنفی، جنسی، سنی و ...

### نقش آفرینی سازمان‌های غیردولتی

اندیشهٔ پلورالیستی نسبت به گسترش فعالیت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی با گفتمان غالب توسعهٔ سیاسی - و رویکرد اجتماع محوری- هدف گذاری

<sup>1</sup> - Institutional Configuration

و پیگیری می‌شود؛ ابعاد این توسعه که به دلایل خاص، دورترین لایه‌های اعمال قدرت و نفوذ دولت را مورد توجه قرار داده، به لحاظ محیطی و جغرافیایی، حول حوزه‌های «محلی» تمرکز یافته است. عناوین به کار برده شده در این الگوها، فرآیندها و ویژگی‌های توسعه محلی را مشخص می‌سازد:

#### ۱- الگوی جامعه مدنی محلی<sup>۱</sup> :

- ضعف دولت ملی و رشد سازمان‌های مدنی / توسعه جنبش‌های اجتماعی شهری (CSOs) / اهمیت سازمان‌های غیردولتی در سطوح محلی (NGOs) / شکل‌گیری سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی (CBOs) / افزایش حرمت‌گذاری، حمایت و اعتماد به نهادهای محلی

#### ۲- الگوی حاکمیت محلی<sup>۲</sup>

- تلاش برای اصلاحات در سطح محلی / توجه بیشتر به مسائل در مقیاس محلی / تفویض اختیارات دولت‌ها به سطوح پایین‌تر / طرح مفهوم دموکراسی محلی / تلاش برای بهبود عملکرد خدمات شهری / افزایش مشارکت مردم در سطح محلی نسبت به سطح ملی / راهبرد مدیریت یکپارچه در سطح محلی

#### ۳- الگوی توسعه محلی<sup>۳</sup>

- راهبردهای رقابت‌پذیری منطقه‌ای و شهری / تقویت جایگاه محلی در نظام اقتصاد جهانی / جذب علایق و سرمایه‌گذاری‌های بیرونی در سطح محلی / مبارزه با جرایم و بهبود محیط محلی برای جذب توریست / تعادل بین نیازهای محلی و جهان وطنی / تقویت توانایی حل مسائل در سطح محلی / ائتلاف رهبران محلی با بخش تجاری

#### ۴- الگوی توسعه اجتماعات محله‌ای<sup>۴</sup>

- اهمیت یافتن مناسبات اجتماعی در مقابل مناسبات اقتصادی / اهمیت واحدهای خانوادگی، همسایگی، محله‌ای و شهری / تأکید بر

1 - Local Civil Society

2 - Local Governance

3 - Local Development

4 - Community Development

توانمندسازی و ظرفیت‌سازی / ایجاد تحرک در مردم و نهادهای محلی  
برای طراحی و اجرای ابتکارات محلی/توجه به شاخص‌هایی چون  
سرمایه و همبستگی اجتماعی محلی [قانونی‌راد: ۱۳۸۴]

براین اساس، در ادامه این نوشتار، سه برنامه توسعه بین‌المللی: «اهداف توسعه هزاره»، «حاکمیت مطلوب» و «سرمایه اجتماعی» که بر بهره‌گیری و نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی توجه دارد مورد بازخوانی و اشاره قرار گرفته است:

### ۱- اهداف توسعه هزاره<sup>۱</sup>

امروزه یکی از پدیده‌های عمده در عرصه بین‌المللی، موضوع «جهانی شدن» و شکل و گونه هدایت شده و فاعل‌مند آن یعنی «جهانی‌سازی» است؛ این پدیده که با درنوردیدن مرزهای قراردادی جغرافیای سیاسی، در تلاش برای القای ذهنی و ایجاد فیزیکی ساختار نوینی برای نظام بین‌الملل می‌باشد از ابزار و لوازم خاصی برای نفوذ در کشورهای در حال توسعه و مستقل بهره‌برداری می‌کند فرهنگ رجایی در کتاب «پدیده جهانی شدن» درباره بازیگران فرادولتی این حوزه می‌نویسد:

«...بازیگری عرصه عمومی، که قبلاً در انحصار دولت- ملت بود، به روی دیگر نهادها، مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌ها و به گفته «کن بوث» استاد روابط بین‌الملل - «صداهاى تاکنون صامت» باز شده است... این که دولت، تنها بازیگر صحنه جهانی تعریف شده است، معارضان بسیار دارد از سازمان‌های غیردولتی گرفته تا جامعه مدنی و افراد. پرسشی که اکنون مد نظر است این است که چه کسی باید مسئولیت جهاننداری کل بشر را به عهده بگیرد؟... طغیان توده‌های معمولی، در قالب سازمان‌های غیردولتی (ان جی آها) در سطح بین‌المللی و جامعه مدنی در سطح ملی چشم‌گیر است...» [فرهنگ رجایی: ۱۳۸۲: ۱۳، ۱۹۰، ۱۸۵]

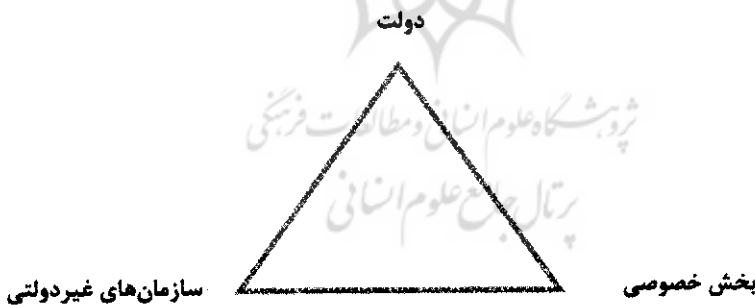
در بستر تحقق این پدیده، از جمله تلاش‌های جهانی در آغاز قرن بیست و یکم که به منظور بهبود ژئوپولیتیک رفتاری در کشورهای مختلف آغاز گردید صدور «اعلامیه هزاره»<sup>۲</sup> می‌باشد. این تعهد جهانی یکی از مهم‌ترین اسناد سازمان ملل در سال‌های اخیر به شمار می‌رود؛ اهداف توسعه هزاره از سپتامبر ۲۰۰۰ تاکنون در

1 - Millennium Development Goals (MDGs)

2 - Millennium Declaration

رأس برنامه‌های سازمان ملل متحد و آژانس‌های مختلف آن قرار گرفته است. بر این اساس، تمامی ۱۹۲ دولت عضو ملل متحد تعهد کرده‌اند که تا سال ۲۰۱۵ به آرمان‌های هشت گانه‌ی زیر دست یابند:

- ۱- گرسنگی و فقر شدید را ریشه کن کنند
  - ۲- آموزش ابتدایی همگانی را محقق سازند
  - ۳- برابری جنسیتی را ارتقاء بخشند و زنان را توانمند کنند
  - ۴- میزان مرگ و میر کودکان را کم کنند
  - ۵- بهداشت مادران را بهبود بخشند
  - ۶- با گسترش بیماری ایدز و ویروس آن، مالاریا و سایر بیماری‌ها مبارزه کنند
  - ۷- از پایداری محیط زیست اطمینان حاصل کنند
  - ۸- مشارکتی جهانی برای توسعه ایجاد کنند(مندرج در نسخه منتشره از سوی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران- خرداد ۱۳۸۲).
- جمهوری اسلامی ایران یکی از یکصد و نود و دو کشوری است که اعلامیه هزاره را امضا کرده و در سه بخش «دولت»، «بخش خصوصی» و «سازمان‌های غیردولتی» این اهداف را پیگیری می کند.



اهداف سازمان‌های غیردولتی توسعه هزاره، طی گزارشی در شهریور ماه ۱۳۸۵ در ششمین همایش سالانه سازمان‌های غیردولتی در تهران تشریح شد. در این راستا، از آغاز سال ۲۰۰۲ م. (۱۳۸۱ش.) تا پایان سال ۲۰۰۵ م. (۱۳۸۴ش) بیش از پنجاه کارگاه ترویجی در سراسر کشور تشکیل شده است. در این کارگاه‌ها که نمایندگان تشکل‌های

غیردولتی و بخش خصوصی حضور دارند اهداف توسعه هزاره و فعالیت‌هایی که این بخش‌ها برای دستیابی به استانداردهایی باید انجام دهند تشریح شده است. نکته حائز اهمیت در این میان، این است که جمعیت‌های تحت پوشش این پروژه، با حمایت‌های مالی و الگوهای مشترک بین‌المللی MDGs و تفکرات کارگزاران غیردولتی آن، منش و رفتار جدیدی را تجربه نموده و لاجرم صورت بندی متفاوتی و بعضاً متضادی با سیاست‌های دولت و نظام حاکم به خود می‌گیرند.

این در حالی است که سازمان‌های غیردولتی، ماهیت وجودی و خاستگاه شکل‌گیری خود را وام‌دار دولت‌ها و نظام‌های مربوط می‌باشند. در واقع یکی از مقتضیات کارایی مؤثر سازمان‌های غیردولتی در پی‌گیری اهداف توسعه هزاره، بهره‌گیری از عنصر «توانمندسازی محیطی»<sup>۱</sup> است. لازم به ذکر است که تعاریف ارائه شده برای توانمندسازی محیط متعدد هستند. یک تعریف معمول و عام به این شرح است:

توانمندسازی محیط مجموعه شرایط به هم مرتبط هستند مانند شرایط قانونی، اداری، مالی، اطلاعاتی، سیاسی و فرهنگی که بر ظرفیت و کارایی عوامل توسعه‌ای به کار گرفته شده در فرآیندهای توسعه به طور همیشگی و مفید تأثیر می‌گذارند.

روشن شدن و فهم بیشتر مفهوم توانمندسازی محیط (شامل محیط اقتصادی، سیاسی، نظارت و کنترل (سرپرستی) اجتماعی - فرهنگی و منابع) با احصای اقدامات دولت، صورت واضح‌تری به خود می‌گیرد:

۱- سیاست گذاری قانونی و تنظیم و بهبود چارچوب‌های قانونی

۲- ایجاد ظرفیتی دوجانبه در بخش‌های سازمانی

۳- دریافت و پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان

۴- برقراری نظارت گسترده، پاسخگویی و مکانیسم‌های بازخورد

۵- تخصیص منابع عمومی و سرمایه گذاری‌ها

روابط میان دولت و سازمان‌های غیردولتی به صورت همکاری، مقابله‌ای، مکملی و گزینشی قابل توصیف بوده و بر این اساس، اقدامات دولت در جهت ایجاد محیطی توانمند برای توسعه اهداف هزاره را می‌توان به صورت «اختیاردهی»، «تسهیل‌گری»،

<sup>۱</sup> - Environmental empowerment

«تأمین منابع»، «مشارکت و ایجاد زمینه‌های مناسب برای فعالیت» و «ثبت» سازمان‌های غیردولتی مشاهده نمود. اما به راستی انگیزه‌های دولت برای ترویج توانمندسازی محیط چه هستند؟ پاسخ صریح به این پرسش را می‌توان در ضرورت ارائه‌ی خدمات در جایی که خدمات دولتی وجود ندارد<sup>۱</sup> جستجو نمود. از طرفی بعضی از خدمات که به اهداف توسعه‌ی هزاره وابسته هستند با همکاری و همیاری سازمان‌های غیردولتی اجرا و ارائه می‌شوند و این انگیزه‌ای آشکار برای دولت‌ها در جهت قادر ساختن محیط برای مشارکت دادن غیردولتی‌ها می‌باشد.

البته باید گفت در کشورهای فقیر و غنی با درصد برخورداری از مردم‌سالاری متفاوت، انگیزه‌های دولت برای توانمند سازی محیط جهت مشارکت سازمان‌های غیردولتی روشن و صریح نیست و در بعضی موقعیت‌ها، این انگیزه حتی محدود یا منفی می‌باشد. به طوری که بسیاری از سازمان‌های دولتی در زمان ارائه خدمات به سازمان‌های غیردولتی، آن‌ها را با سوء ظن و ضدیت و تردید از افزایش قدرت این سازمان‌ها می‌نگرند.

لذا سازمان‌های غیردولتی با بهره‌گیری از ظرفیت و پتانسیل دولتی که از آن به عنوان توانمندسازی محیط یاد شد به ارائه الگوهای معرفتی و ایدئولوژیکی خاص در راستای اهداف پروژه توسعه هزاره می‌پردازد که این امر در تغییر و تحول در آن چه که ژئوپولیتیک رفتاری محیط نامیده می‌شود مؤثر می‌باشد. (برای مطالعه بیشتر نک: علی نژاد، مدیریت سازمان‌های غیردولتی)

## ۲- حاکمیت مطلوب<sup>۲</sup>

این واژه شاید برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ش.) توسط «ویلیام سون» در ادبیات اقتصادی به کار رفته و از سال ۱۹۸۰ به بعد کاربرد این واژه بیشتر گردیده و هنگامی که بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ گزارش سالانه خود را به حکمرانی خوب اختصاص داد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که حکمرانی خوب جایگاه خود را بدین شکل در ادبیات توسعه گسترش دهد.

<sup>۱</sup> - Gapfiller

<sup>۲</sup> - Good governance

اکنون تعابیر «حکمرانی» و «حکمرانی مطلوب» به طور فزاینده‌ای در ادبیات توسعه رواج یافته است. در واقع می‌توان گفت که حکمرانی توانایی دولت در جهت: (۱) شفاف سازی سیاسی و پذیرش انتقاد شهروندان (۲) فراهم ساختن خدمات عمومی مؤثر و کارآمد (۳) ایجاد زمینه‌های مساعد و مطلوب برای رشد اقتصادی ثابت و (۴) اهتمام به آموزش و بهداشت عمومی شهروندان است. این مؤلفه‌ها مواردی هستند که بانک جهانی از آنها به عنوان اهدافی که دولت‌ها باید به آن بپردازند سخن به میان آورده است.

تئوری حکمرانی خوب در دهه گذشته پارادایم مسلط کشورهای توسعه یافته بوده و به عنوان یکی از شاخص‌های بین‌المللی برای بررسی و مقایسه کشورهای مختلف به کار رفته است. امروزه علاوه بر اینکه تحولات اقتصادی و اجتماعی طرح و پذیرش حکمرانی خوب را مورد تأکید قرار داده، بلکه فشارهای خارجی نیز در تحقق آن تأکید دارند. از جمله سازمان‌های کمک‌دهنده بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی (WTO)، عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، صلح سبز و... «حکمرانی خوب» را به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های کمک‌ها اعلام کرده‌اند. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز وقتی از اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری مانند خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی ناامید شده‌اند حکمرانی خوب را به عنوان تنها راه چاره توسعه و پیشرفت اقتصادی خود دانسته‌اند و هر روز که می‌گذرد اهمیت آن بیشتر می‌شود.

حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد همه قوای یک کشور است. در حکمرانی خوب مشروعیت حکمرانی بسیار مهم است. در حکمرانی خوب صاحبان اصلی قدرت مردم هستند و به جای پرداختن به کارآمدی و توانمندی دولت از طریق حجم و اندازه آن به نوع رابطه‌ی مردم و حکومت توجه می‌شود و رابطه نادرست شهروندان و حکومت‌کنندگان را از دلایل عدم توسعه اقتصادی می‌دانند. پاسخگویی دولت به شهروندان، نبودن فساد، اقدام به اصول مردم‌سالاری، اعتماد عمومی، حق انتخاب و به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی از ویژگی‌های اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود. یک الگوی واحدی را نمی‌توان برای حکمرانی خوب معرفی و ارائه کرد اما چهار رکن اصلی حکمرانی خوب عبارتند از:

- بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.
- بخش‌های خصوصی که عهده‌دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بر عهده دارند.
- جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی که فراهم‌کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.
- سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را به عهده دارند.



تعامل خوب و روان بین ارکان یاد شده، زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می‌آورد. حکمرانی خوب صرفاً انجام وظایف نیست بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می‌شود. هدف‌ها و روش‌ها، هر دو اهمیت یکسانی برای حکمرانی خوب دارند و لذا هر کشوری می‌تواند شرایط حکمرانی خوب را با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود بیامیزد و آن را بومی نماید. حکمرانی خوب نباید همراه خود، فرهنگ و ارزش‌های خاص را تحمیل نموده یا ارزش‌های نادرست را دامن بزند. [جلیل خانی: ۱۳۸۳]

خصوصیات و ویژگی‌های حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی هشت مؤلفه زیر را در برمی‌گیرد:



- مشارکت<sup>۱</sup>، توافق عمومی<sup>۲</sup>، جوابگو بودن ( پاسخگویی مالی )<sup>۳</sup>، شفافیت<sup>۴</sup>، پاسخگویی<sup>۵</sup>، کارایی و بهره وری<sup>۶</sup>، تساوی حقوق در برابر قوانین<sup>۷</sup>، مشمول شدن و تبعیت از قوانین و مقررات<sup>۸</sup> (وب سایت دائره‌المعارف ویکی پدیا- حکمرانی خوب) حکمرانی مطلوب یک ایده آل است که دستیابی به آن در نهایت مشکل می‌باشد. جوامع و کشورهای بسیار کمی توانسته‌اند به حکمرانی مطلوب نزدیک شده یا به آن دست یابند.

در هر حال، برای اطمینان از توسعه مناسب انسانی، فعالیت‌ها باید در جهت این ایده آل به وسیله ارزیابی و رهبری برای دستیابی به آن به طور واقعی صورت پذیرند. اندازه‌گیری شاخص‌های حکمرانی خوب از طریق نظرسنجی از مردم، شهروندان، بنگاه‌ها، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، مدیران و مأموران دولتی و ... انجام می‌گیرد که عمده‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از:

- ۱- حق اظهارنظر و پاسخگویی : (تغییر منظم حکومت‌ها، نظام حقوقی شفاف و عادلانه، توزیع برابر فرصت‌ها، مقدار نظامی‌های کشور، میزان اطلاعات صاحبان کسب و کار، تغییر در قوانین و رویه‌ها)
- ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت: (آشوب‌های شهری، کودتا، ترورها و اعدام‌های سیاسی، تنش‌های قومی، قطبی‌شدن طیف‌های سیاسی، نزاع‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها)
- ۳- اثربخشی دولت: (سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار، کارایی نهادهای دولتی، کیفیت کارکنان دولت، توانایی دولت در اجرای برنامه‌های خود، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی، کیفیت خدمات عمومی)
- ۴- کیفیت مقررات تنظیمی: (مداخله دولت در اقتصاد، کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، مداخله دولت در نظام‌های مالی،

- 1 - Participation
- 2 - Consensus orientation
- 3 - Accountability
- 4 - Transparency
- 5 - Responsiveness
- 6 - Effectiveness and efficiency
- 7 - Equity and inclusiveness
- 8 - Rule of law

مقررات دست و پاگیر صادرات و واردات، محدودیت دولتی برای تأسیس بنگاه های جدید)

۵- حاکمیت قانون: (هزینه های جرم و جنایت و ربودن خارجی ها، فساد در نظام بانکی و گستردگی بازارسیاه، اعتماد مردم به مسئولان در حفظ دارایی ها، توانایی اقامه دعوا بر علیه حکومت، اعتماد به نظام قضایی، استقلال نظام قضایی از سایر قوا، سرقت از کسب و کار، کارایی نیروهای ایمنی برای ایجاد امنیت)

۶- مبارزه با فساد: (فساد در میان مقامات رسمی، فساد در میان مدیران ارشد، ذهنیت نسبت به فساد، فساد در خدمات عمومی، فراوانی فساد در مقامات عمومی، پرداخت رشوه و ...)

براساس برخی اخبار منتشره در سال ۱۳۸۳، برنامه حکمرانی مطلوب در ایران یک برنامه پنج ساله است که UNDP (مرکز عمران ملل متحد) حداقل برای آن شش میلیون دلار بودجه تخصیص داده است. در این برنامه، حداقل تقویت نه بخش مختلف در کشور مورد هدایت، حمایت و تقویت UNDP قرار خواهند گرفت که عبارتند از:

۱- تقویت سازمان های غیردولتی

۲- مرکز پژوهش های مجلس

۳- «مرکز آموزش های قضایی» برای ترویج دستیابی به عدالت برای افراد جامعه و اصلاح بخش های قضایی و توسعه رویه های قضایی.

۴- حمایت از تمرکززدایی و قابلیت ساختمان های شوراهای شهر و ایجاد شورای عالی شوراها و ترغیب جوانان به مشارکت در برنامه شورای شهر و تشکیل کارگاه های آموزشی در این زمینه.

۵- تقویت و تحکیم نهادهای ملی حقوق بشر و مراکز ملی (داخلی) حقوق بشر از جمله کمیسیون حقوق بشر اسلامی و مراکز مربوط به مطالعات حقوق بشر (هم چون مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران و نیز مرکز حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه مفید)

۶- آموزش های حقوقی و به ویژه برگزاری دوره های حقوق بشری و توسعه حقوق بشر، خصوصاً توسط مراکز دانشگاهی هم چون دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه مفید و نهادهای داخلی و ملی حقوق بشر و برگزاری کنفرانس های سالیانه حقوق بشر.

- ۷- حمایت و تقویت زنان به ویژه از طریق مرکز مشارکت زنان.
- ۸- تقویت و تحکیم دو نهاد مدنی و مستقل «کانون وکلای دادگستری (IBA)» و نیز «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»
- ۹- تقویت کنفدراسیون صنایع ایران و خانه صنایع و معادن ایران و نقش بخش‌های خصوصی اقتصادی در حکمرانی مطلوب.

با تمام تلاش‌های ذکرشده، نکته حائز اهمیت این است که ایجاد و استقرار برنامه حکمرانی خوب در جامعه اسلامی ما، به شکل برون‌زا و با بهره‌گیری از فعالیت نهادهای غیررسمی و غالباً بی‌مسئولیت در صیانت از ارزش‌های دینی و غیرمجدوب در ایدئولوژی اسلامی و ولایی نمی‌تواند مفید واقع گردد بلکه مخرب و موجد الگویی ناسازواره و نابهنجار خواهد بود، به خصوص در شرایطی که بسترهای ایدئولوژیکی، فرهنگی و زیرساخت‌های لازم فراهم نشده است. چرا که توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جوامع از جمله شروط تحقق حکمرانی خوب است و شاخص اقدام به ارزش‌ها باب دیگری در حکمرانی خوب می‌گشاید و بر این اصل تأکید می‌کند که بسترهای فرهنگ و ارزش موجود در هر جامعه ضرورت‌های رفتاری خاص را به دنبال دارد.

### ۳- سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>

اصطلاح «سرمایه اجتماعی» نخستین بار پیش از ۱۹۱۶م. (۱۲۹۵ش.) توسط «هانی فان»<sup>۲</sup> از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما با وجود اهمیت آن در پژوهش‌های اجتماعی تا ۱۹۶۰ که «جین جاکوب» آن را در برنامه‌ریزی شهری به کار برد، شکل جدی به خود نگرفت [الوانی و سید نقوی: ۴] مفهوم سرمایه اجتماعی به علت آن که ادبیات آن از غنای لازم هنوز برخوردار نیست در نوعی از ابهام وجود دارد. لذا برای رسیدن به تصویری شفاف و اولیه از آن لازم است تا پیشینه تاریخی آن مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به نظر می‌رسد بنیاد بحث سرمایه اجتماعی را باید نزد «رابرت پوتنام»<sup>۳</sup> ایتالیایی و «جیمز کلمن»<sup>۴</sup> جستجو کرد. نتیجه مطالعه گسترده و زمان‌بر «پوتنام» در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» آمده است. وی با تأمل

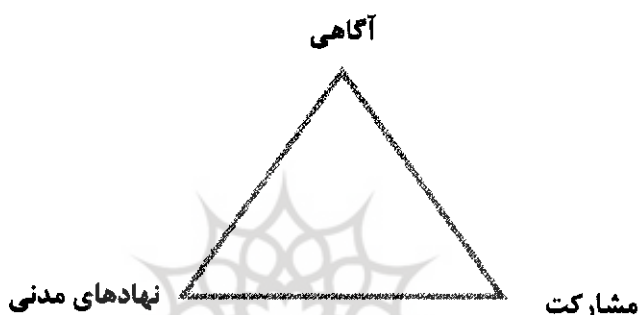
1 - Social Capital

2 - Hani fan

3 - Robert putnam

4 - James coleman

در میزان کارآمدی «دموکراسی» در شمال و جنوب ایتالیا به آنجا رسید که نهادهای دموکراتیک در شمال بهتر نتیجه داده‌اند تا در جنوب. در مقام تحلیل این پدیده وی به «سرمایه اجتماعی» - در کنار رشد اقتصادی - به عنوان متغیر واسطی اشاره نمود که چرایی این واقعه را بیان می‌داشت. مطابق نظر وی «سرمایه اجتماعی» در شمال، حضور و کارایی بیشتری دارد و لذا دموکراسی توانسته است بهتر عمل کند. شاخص‌های سه گانه‌ی «پوتنام» برای سرمایه اجتماعی عبارتند از: «آگاهی»، «مشارکت» و «وجود نهادهای مدنی».



«جیمز کلمن» نیز در کتاب «بنیان‌های نظریه‌ی اجتماعی» فصل مستقلی را به همین مفهوم اختصاص داده است و سرمایه اجتماعی را به‌سان ابعدی از ساختار اجتماعی برای بازیگران سیاسی - اجتماعی معرفی کرده که می‌توانند همچون منبع سرمایه مؤثری برای تحقق خواسته‌هایشان عمل کنند. شاخص‌های پیشنهادی او پیچیده تر هستند و شامل موارد زیر می‌شود:

۱. تعهدات ایجاد شده: اگر شما بتوانید با انجام خدمتی برای بازیگری او را نسبت به خود متعهد و مدیون سازید به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.
۲. دسترسی اطلاعاتی: اگر شما بتوانید به میزان بیشتر و دقیق تری از اطلاعات و در زمانی کمتر و مناسب تر دست بیابید، به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.
۳. استقرار در مکان‌های اجتماعی: اگر شما بتوانید در موقعیتی قرار بگیرید که همراه و همسو با هنجارهای اجتماعی باشد، به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.
۴. کسب اقتدار: به هر میزان که شما بتوانید اعمال نفوذ مشروع و پذیرفته شده بر روی دیگر بازیگران برای خودتان کسب کنید، به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.

۵. کسب هویت سازمانی: اگر شما بتوانید در درون شبکه ارتباطی یک سازمان مؤثر واقع شوید، در آن صورت از نفوذ بیشتری برخوردار شده و سرمایه اجتماعی تان افزایش می یابد.

بر این اساس، دولت‌ها افزون بر سیاست‌هایشان در حوزه افزایش توان نظامی، اقتصادی و فنی، لازم است تا به افزایش میزان سرمایه اجتماعی‌شان همت گمارند تا اینکه بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی شان توفیق یابند. به عبارت دیگر، تأمین امنیت بدون داشتن سرمایه قابل توجهی در حوزه اجتماعی میسر نبوده و یا حداقل بسیار دشوار خواهد بود. [افتخاری، ۱۳۸۲]

مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها می‌توانند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام دهند عبارتند از:

- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی (سازمان‌های غیردولتی و...)
- تقویت و غنی سازی آموزش‌های عمومی
- تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی
- پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم [کاوسی، اصفهانی: ۱۳۸۶: ۴۴]
- در همین رابطه ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بدین صورت قابل ارائه می‌باشد:
- بُعد اجتماعی شامل: اعتماد/ روابط متقابل/ مشارکت/ آگاهی عمومی/ اخلاقیات/ مسؤولیت اجتماعی
- بُعد فرهنگی شامل: مقررات رفتاری/ نرم‌ها و هنجارها/ ارزش‌ها/ دین و ایدئولوژی/ نمادها/ مثل‌ها و استعاره‌ها/ جوّ و فضا
- بُعد سیاسی شامل: امنیت/ نهادهای عمومی و مدنی/ تحزب و مشارکت سیاسی/ انتخابات/ قانون مداری/ روزنامه و رسانه‌ها
- بُعد اقتصادی شامل: ارزش روز شرکت/ میزان هزینه‌ها [برای مطالعه‌ی بیشتر نک: طلوعی اشلقی، کاوسی: ۱۳۸۶: ۱۱]

برنامه پیاده‌سازی «سرمایه اجتماعی» نیز در جای خود می‌تواند در ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران تأثیرات مثبت و منفی داشته باشد؛ فضا سازی برون زای این برنامه، با اهداف مغایر با ایدئولوژی و سیاست‌های حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی همان چیزی است که چندی پیش، نماینده بنیاد «سوروس» در ایران پیگیری می‌نموده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت می‌توان این گونه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نمود که:

- «ژئوپولیتیک مدرن» که با رویکردی انتقادی نسبت به وجه کلاسیک و جغرافیا محور آن می‌نگرد و خود را امتزاج و ترکیب میان «انسان»، «ایدئولوژی» و «محیط» و دارای بنیه «فضامحور در مقابل مکان محوری» توصیف می‌کند، امروزه در خصوص تبیین‌کنندگی پدیده‌ها و تهدیدات امنیتی و ضدامنیتی قابلیت و توانمندی زیادی یافته و بدین سان پدیده‌های پیرامونی نظام فرهنگی و ارزش‌مدار جمهوری اسلامی ایران به طور شفاف تری مشاهده و توصیف می‌گردند.

- در این میان حضور مرموز و پیچیده نهادهای متکثر مدنی و از جمله سازمان‌های غیردولتی در داخل و خارج کشور که غالباً با دامنه فعالیت گسترده و خارج از حیطه نظارت و کنترل مؤثر دولت و حاکمیت عمل می‌کنند، این چشم انداز مه آلود و سؤال برانگیز را پدید آورده که این میهمانان ناخوانده که بعضاً تعهد و تقیدی نسبت به سیاست‌ها و ایدئولوژی اسلامی ندارند، در پی تحقق و نیل به چه اهدافی هستند؟ آیا جهان سرمایه‌داری غرب به کباره دچار یک شوک عظیم هنجاری و اخلاقی گردیده که به حمایت و تقویت بنیادها و سازمان‌های به ظاهر غیرانتفاعی و غیردولتی مبادرت نموده؟ و تعداد معتنا بهی از آنها را به محیط کشورهای جهان سوم و منطقه خاورمیانه گسیل داشته است؟ از سوی دیگر سامان‌یابی سازمان‌های غیردولتی توانمندسازی شده، در قالب شبکه‌های پیچیده و تار عنکبوتی گسترده، چه رهیافت و نویدی برای کشورهای مستقل و خواهان آرامش و انکا بر ظرفیت‌های خویش دارد؟

به نظر می‌رسد سازمان‌های غیردولتی، محمل‌های تجربه شده‌ای برای رخنه (نفوذ)<sup>۱</sup> و یا ایجاد فضای حیاتی مناسب و تأثیرگذاری رفتاری در محیط کشورهای

<sup>۱</sup> - Infiltration

مستقل و از جمله جمهوری اسلامی ایران باشند؛ چرا که دست‌اندرکاران و عقبه پنهان این سازمان‌ها و بنیادها با صرف وقت، به شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مضیقه‌ها و تنگناهای ساختاری دولت پرداخته و هم‌چنین با مطالعه روی مناطق دارای شاخص‌های محرومیت در کشور، پوشش مناسب برای اعلام همکاری سازمان غیردولتی را پیدا نموده و به این شیوه با داخل کشور و به خصوص با نقاط و محلات دارای خلأ حضور دولت-تحت‌عنوان توسعه محلی-ارتباط‌گیری می‌کنند و آمایش جغرافیایی مطلوب خود را در محیط هدف طراحی و پیاده‌سازی می‌کنند.

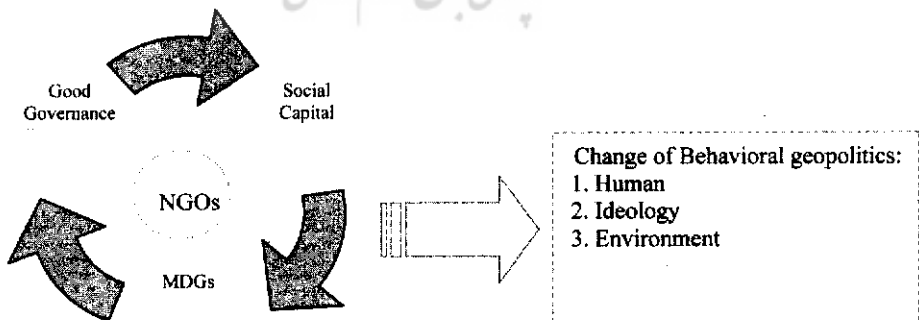
- در این میان، در این نوشتار به سه برنامه عمده دارای خاستگاه برون‌زا (بین-المللی) که با بهره‌گیری از نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی در داخل کشور به طور رسمی و غیررسمی به فعالیت و پیاده‌سازی اهداف مشغولند اشاره گردید:

۱- برنامه توسعه اهداف هزاره

۲- برنامه حکمرانی مطلوب

۳- برنامه سرمایه اجتماعی

به طور مشخص می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در شرایط کنونی، برنامه‌های موصوف یاد شده، با ساز و کارهای موجود، و با استفاده از ثقل ظرفیت و استعداد ناشناخته سازمان‌های غیردولتی داخلی و خارجی، هدف‌گذاری دیگری جز تغییر تدریجی رفتار در عوامل انسانی، دگرگونی (تحمیلی یا تدریجی) در برداشت و تلقی از ایدئولوژی مؤثر حاکم و تسخیر و اشغال مؤثر فضای محیطی کشور در جهت انطباق با سیاست‌ها و اهداف برون‌زا نخواهد داشت.



بدون تردید، عدم احساس خودباختگی و ضعف و در مقابل هوشیاری، خوداتکایی و خودبسندگی در مهندسی تولید و ترویج سازمان‌های غیردولتی در عرصه اجتماعی براساس آموزه‌های معرفتی دینی و استخراج مؤلفه‌های به کار رفته در برنامه‌های ذکر شده از دریای غنی و سرشار معارف اسلامی و بومی سازی شاخص‌های اکتسابی و به عبارتی بهره‌برداری از الگوها و سرمایه‌های داخلی به جای نمادها و سرمایه‌های وارداتی، راه حل و آنتی‌هژمونی مناسبی در برابر پروژه جهانی سازی غرب و مواجهه با تهدیدات ناشی از برنامه‌های برون زا بر ژئوپولیتیک رفتاری کشور خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## □ منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی؛ انتشارات مروارید، تهران: چاپ دوم، آری، ۱۳۷۰.
- افتخاری، اصغر؛ «نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت»؛ (مصاحبه) مندرج در نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام (نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی)؛ شماره ۱۲ و ۱۱؛ تابستان و پاییز ۸۲.
- الوانی، سید مهدی؛ قشقایی، فرشته؛ «سازمان‌های غیردولتی و چالش‌های پاسخ-گویی»؛ فصل‌نامه مطالعات مدیریت؛ ش ۴۹، دانشگاه علامه طباطبائی؛ بهار ۸۵.
- الوانی، سیدمهدی؛ سیدنقوی، میرعلی؛ «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۳۳ و ۳۴.
- جانستون، رونالد جان؛ تیلور، پیتز جی؛ واتس، مایکل جی؛ جغرافیاهای تحول جهانی؛ مترجم: نسرين نوریان؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳.
- حسینی، حسن؛ طرح خاورمیانه بزرگ‌تر: القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا؛ مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ تهران: ۱۳۸۳.
- دیورینگ، سایمون؛ مطالعات فرهنگی: مجموعه مقالات؛ ترجمه: نیما ملک محمدی، شهریار وقفی پور؛ انتشارات تلخون، چاپ اول: تهران: ۱۳۸۲.
- رجایی، فرهنگ؛ پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی؛ ترجمه عبدالحسین آذرنگ؛ تهران: چاپ دوم: مؤسسه نشر آگه، ۱۳۸۲.
- رناتی، محسن؛ «سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه»؛ (مصاحبه) مندرج در نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام (نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی)؛ شماره ۱۲ و ۱۱؛ تابستان و پاییز ۸۲.
- شعبانی، قاسم؛ حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: اطلاعات؛ چاپ بیست و چهارم: ۱۳۸۵.
- طلوعی اشقلی، عباس؛ کاوسی، اسماعیل؛ «ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی»؛ پژوهشنامه پنج؛ پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ اردیبهشت ۱۳۸۶.

- عسگری، محمود؛ «نقد و سازانه سیاست جغرافیایی و بازخوانی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی؛ ش ۱۰؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ زمستان ۱۳۷۹.

- کاوسی، اسماعیل؛ اصفهانی، مینا؛ «سرمایه اجتماعی و عمل کرد آن در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی»؛ پژوهشنامه ۵؛ پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ اردیبهشت ۱۳۸۶.

- کیان تاج بخش، یحیی؛ «متن اعترافات»؛ خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۴/۳۰.  
- مجتهد زاده، پیروز؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۳۸۱.

- محمدی، محمد؛ «سازمان‌های غیردولتی: تعاریف و طبقه‌بندی‌ها»؛ فصل‌نامه مطالعات مدیریت؛ ش ۴۲-۴۱؛ دانشگاه علامه طباطبایی (ره)؛ بهار و تابستان ۸۳.  
- مینایی، مهدی؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (وزارت امور خارجه)؛ تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ دوم؛ ۱۳۸۳.

- نقیب زاده، احمد؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۳۸۰.  
- نوروزی، محمد تقی؛ فرهنگ دفاعی-امنیتی؛ مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت؛ تهران: سنا، ۱۳۸۵.

#### سایت‌ها و وبلاگ‌ها:

- اسناد منتشره از سوی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران؛ مندرج در وب سایت:

[www.un.org/millenniumgoals](http://www.un.org/millenniumgoals)

- علی نژاد، مریم؛ «مدیریت سازمان‌های غیردولتی»، مندرج در وبلاگ شخصی وی به آدرس:

<http://alinejadmaryam.blogfa.com>

- جلیل خانی، بهرام؛ «حکمرانی خوب»؛ مندرج در وبلاگ: «مدیریت تحول (همه چیز درباره مدیریت، تحول و بهره‌وری)»؛ ۱۳۸۳/۱۲/۴.

- پوراستاد، وحید؛ «طرح ارتقاء حقوق بشر و دسترسی به عدالت»؛ مندرج در وبلاگ شخصی وی، فروردین ۱۳۸۶.

- قانع‌ی راد، محمد امین؛ «رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران»؛  
نشریه رفاه اجتماعی؛ ۱۳۸۴؛ مندرج در وب سایت:

<http://www.uswr.ac.ir/SWQ/refah>

- سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)

- سایت روزنامه ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی